



مرحوم آیت الله
العظمی
حاج شیخ محمد
حسین
کاشف الغطاء



مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء عالمی بزرگ، مرجعی سترگ،
از استوانه های علم و تقوی و از پیشگامان نهضت جهانی اسلام و ستیزگری بی امان با کفر و
امپریالیسم و افشاگری باک دسیسه های استعماری در قرن اخیر بوده است.



ولادت

او به سال ۱۲۹۴ هجری قمری در خاندانی علمی و معروف به دانش و فضیلت در نجف اشرف متولد شد. شاعری آینده‌نگر (علامه سیدموسی طالقانی) تاریخ ولادت او را در شعر بلند خود چنین بیان داشت:

وقد بشر الشرع مذار خوا «ستنی و سائده للحسین»^۱

یعنی: هنگامی که تاریخ او را می‌نوشتند، شرع مبین اسلام بشارت داده شد که بزودی بساط ریاست آن برای حسین (کاشف الغطاء) مهیا خواهد شد.

خاندان او

خاندان او — که از طائفه بنی مالک و دارای نسب شریف و درخشانند — به مالک اشتر نخعی می‌پیوندند و همه از عالمان و زعیمان دین بوده و همواره رهبری یک جنبش عظیم فکری و دینی را بر عهده داشتند. شخص کاشف الغطاء خود در این باره گوید:

«خودم را در پیشگاه خدا و وجدان مسئول می‌بینم، زیرا دخالت در سیاست از وظائف من و اجداد من است که بیش از سه قرن نه تنها در عراق بلکه در تمام عالم اسلام، پیشوای دینی بوده‌اند».

جدّ اعلای ایشان شیخ خضر بن جناحی (م ۱۸۰ ق) بن یحیی بن مطربن سیف الدین مالکی است که از رهبران مذهبی در نجف اشرف بوده و استادش (سیدهاشم — ره) درباره اش می‌گفته: «کسی که می‌خواهد چهره یکی از بهشتیان را ببیند به چهره تابناک شیخ خضر نگاه کند. فرزند شیخ خضر، علامه شیخ جعفر کبیر (م ۱۲۲۸) عالم و فقیه پر آوازه شیعه

.....
۱ — دیوان سید موسی طالقانی / ۲۶۰ ط نجف



صاحب کتاب مفید و معروف کشف الغطاء^۱ است که در آن دشواریهای فقه را شکافت، فردی که صاحب مفتاح الکرامه (شاگرد او) در مقدمه کتاب خود او را این گونه ستوده است: «امام، علامه، مورد اعتماد، و مقدس و بزرگترین دانشمند». شیخ جعفر دارای فرزندی بوده که همگی از فقهای بنام شیعه اند و بزرگترین آنان شیخ موسی است که عامل اصلی صلح بین دولت ایران و عثمانی در سال (۱۲۳۷ق) بوده و پدرش وی را از تمام فقهاء به استثنای شهید اول و محقق برتری دانست. دو فرزند دیگرش، شیخ علی و شیخ حسن نام داشتند پدر شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، علامه شیخ علی بن شیخ محمدرضا بن شیخ موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء است.

مؤلف محترم «ماضی النجف وحاضرها» در کتاب خود به ترجمه ۳۶ نفر از علمای این خاندان پرداخته است. و نیز ببینید دایرة المعارف تشیع ج ۱ ص ۲۰۷.

تحصیلات

ایشان مقدمات علوم را در زادگاه خود از محضر بزرگان فن فرا گرفت و به اتمام رساند و آنگاه در حلقه درس دانشمندان بزرگ زمان خویش در آمد.

در علم اصول (۶ دوره) از محضر مرحوم آیت الله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹)، در فقه از محضر مرحوم آیت الله حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲) و سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷) اعلی الله مقامهم بهره مند شد. در اخبار و احادیث، محضر خریّت فن، محدث بزرگوار حاج میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰) را درک نموده و از محضر ایشان استفاده کرد و از ناحیه معظم له مفتخر به دریافت اجازه روایتی شد، در علم کلام و فلسفه از

.....

۱ - در این کتاب مباحث عبادات تا آخر باب جهاد مورد بحث قرار گرفته و در پایان، کتاب وقف را نیز بر آن افزوده است، این کتاب را ایشان در حال سفر تألیف کرده و به هنگام نوشتن آن جز کتاب قواعد علامه کتاب دیگری در اختیار نداشته است. ببینید روضات الجنّات ج ۲/۲۰۰ و الذریعة ج ۱۸/۴۵ و شرح حال ایشان علاوه بر روضات، در اعیان الشیعه ج ۴/۱۰۹۹، الکنی والالقباب ۳/۱۰۱، انیس الادباء فی احوال العلماء، فوائد الرضویة / ۷۰، اعلام الشیعة ج ۲/۲۴۸، مؤلفین کتب چاپی ج ۲/۳۱۳، قصص العلماء / ۱۸۳ - ۱۹۸، شعراء العزّی ج ۲ / ۴۰، ریحانة الادب ج ۵/۲۴، ماضی النجف وحاضرها ج ۱/۱۲۸ - ۱۲۹، ج ۳/۱۳۱، وحید بهبهانی / ۲۴۶، معارف الرجال / ۱۵۰، لباب الالقباب / ۲۲، وفيات العلماء / ۱۵۷ - مرآة المعارف ج ۲/۲۰۹ و اعلام المکاسب / ۲۱۰ آمده است.



تلامذه مرحوم شیخ احمد شیرازی و مرحوم علامه میرزا محمد باقر اصطهباناتی و مرحوم علامه شیخ محمد رضا نجف آبادی که هر یک بنوبه خود از نوابغ عصر بودند، محسوب می‌شد.

استعداد فوق العاده

او دارای استعدادی سرشار و ذکاوتی بسیار بود و لذا در مدت زمان کوتاهی در علوم مختلف به مدارج عالی دست یافت و در همان ایام جوانی موقعیت علمی بالائی پیدا کرد و مورد توجه و محل اعتماد مخصوص علمای حوزه نجف مخصوصاً استاد بزرگوارش مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی قرار گرفت و پاسخ بسیاری از استفتائات و پرسش های علمی به او و برادرش علامه شیخ احمد کاشف الغطاء واگذار گردید. و مرحوم سید آنقدر به این دو برادر بزرگوار اطمینان داشت که در آخر عمر که با حضور رؤساء و بزرگان نجف، چهار وصی برای خود انتخاب کرد، این دو برادر از جمله آن چهار نفر بودند.

مرجعیت ایشان

پس از وفات مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی در سال ۱۳۳۷ عده کثیری از مردم عراق در امر تقلید به برادرش شیخ احمد کاشف الغطاء رجوع کردند و در سال ۱۳۳۸ جمع کثیری از اهل بغداد در تقلید به ایشان رجوع کرده و روز به روز مقام علمی و ملکات روحی او برای مردم عراق بیشتر روشن گردید و لذا به وی علاقمندتر گشتند و بالاخره مقام مرجعیت عامه در عراق برای او محرز گردید.

جلسات درس او

حوزه درس و بحث وی در بیشتر ایام عمرش برقرار بود و همواره جمع بسیاری از فضلاء و علماء از خرمن دانش او خوشه می‌چیدند تا جائی که تلامذش دهها جلد کتاب از تقریرات دروس استاد را نوشته‌اند.

امتیازات آن مرحوم

وی علاوه بر مقام علمی در فن خطابه و سخنرانی نیز مقامی بس بلند داشت و دارای بیانی سخار و منطقی نیرومند و فصاحتی کم نظیر بود و به مناسبتهای مختلف در کشورهای



اسلامی ایراد خطابه کرده و مخاطبین خود را به حدی مجذوب می‌ساخت که گاهی سخنرانی چند ساعته ایشان گویا بیش از چند دقیقه بر آنان نمی‌گذشت^۱.

او قدم از محیط درسی خود بیرون گذاشته و برای تحقق اهداف بلندآرمانهای عالی و اسلامی خود، سفرهای متعددی به کشورهای مختلف جهان نمود از جمله پنج بار به ایران سفر کرد و در هر سفر با دانشمندان و رهبران مذهبی و سیاسی و طالبان حق تماس گرفته و مطالب خود را بیان می‌داشت و آگاهی‌های لازم را به آنها می‌داد و در بسیاری از کشورها اقامت‌های طولانی داشت و در مصر سه سال اقامت گزید و همه روزه در دانشگاه الازهر تدریس و احیاناً سخنرانی می‌کرد و به ذکر علل عقب ماندگی مسلمین می‌پرداخت و حتی به کلیساهای می‌رفت و ضمن سخنرانی، اشتباهات مبشرین مسیحی را روشن می‌ساخت و در بلاد اسلامی اقامهٔ جماعت می‌کرد. و در سال (۱۳۵۰ق) در کنفرانس اسلامی فلسطین شرکت نمود و پس از اقامهٔ نماز جماعت در مسجد الاقصی در جمع صدوپنجاه نمایندهٔ ممالک اسلامی و باحضور بیست هزار نفر سخنرانی کرد و در مورد وحدت و استقلال مسلمین و مبارزه با استعمارگران و اشغالگران صهیونیستی سخنرانی مهیجی ایراد کرده و جمعیت حاضر را تحت تأثیر عمیق قرار داد.

امتیاز دیگر او صراحت لهجه کم نظیری بود که داشت و با هر کس که مواجه می‌شد بدون هیچ مجامله‌ای حق را می‌گفت و بسیار اتفاق می‌افتاد که از سیاستمداران به خاطر سیاست غلطشان انتقاد می‌کرد، از جمله هنگامی که «سفیر انگلستان» از نجف اشرف دیدن کرد و در ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۷۴ به حضور ایشان رسید وی با صراحت کامل از سیاستهای استعماری انگلستان در نقاط مختلف عالم انتقاد نمود و نسبت به نقش انگلستان در از دست رفتن فلسطین اشغالی و آوارگی ملت مسلمان آن سرزمین اعتراض کرد.

و چنین اعتراضی را ایشان به سفیر آمریکا نیز کرد و به او چنین فرمود «قلبهای ما از دست شما آمریکائیانها مجروح است، شما ضربهٔ ناجوانمردانه‌ای به ما زدید که هرگز ما در برابر آن سکوت نخواهیم کرد.» سپس اضافه نمود: «افکار ملت ما همه بر ضد شما بسیج شده و به خاطر ضربتی که بر پشت ملت عرب زدید و پشت آنها را شکستید، از دل‌های آنها

.....

۱ - بسیاری از این سخنرانی‌ها ثبت شده و پاره‌ای از آنها انتشار یافته است از جمله نطق تاریخی او در کنفرانس اسلامی پاکستان که در ضمن نامه‌ای از امام کاشف الغطاء به چاپ رسیده است.



خون می‌چکد» (منظورش حادثه مصیبت بار غصب فلسطین بود).

او سیاست را جز، دین می‌شمرد و معتقد بود که منظور و مفهوم صحیح سیاست «وعظ و ارشاد، نهی از فساد، نصیحت و پند دادن به زمامداران و قدرتمندان تمام کشورهای اسلامی و برحذر ساختن آنها از گرفتار شدن در دام استعمار و در هم شکستن زنجیرهای اسارت و تأمین آزادی کامل برای تمام کشورها و تمام ملت‌ها است» او درباره خودش می‌گفت: «من از فرق سرتا کف پا غرق در سیاستم و دخالت در سیاست از وظائف حتمی من است و اگر دخالت نکنم خود را در پیشگاه خدا و وجدان مسئول می‌بینم» مدیریت دینی، خلافت الهی بزرگی است که خداوند درباره آن در قرآن می‌گوید: «ای داود ترا در روی زمین نماینده خود قرار دادیم بین مردم بر مبنای حق حکومت کن»^۱

و در زیارت جامعه می‌خوانیم: *اَنْتُمْ سَائِدَةُ الْعَالَمِ*.

ای پیشوایان معصوم شما گردانندگان اجتماع بندگان خدا و رکن مملکتها هستید.

بر این اساس، سیاست ما سیاست پیغمبر (ص) و امامان (ع) است که خالی از

کلیه هوی و هوسها و طمع و لجن‌کاری‌ها است چنانچه خدا به رسولش می‌گوید:

«متابعت هوی و هوس را مکن زیرا که از راه خدا گمراه می‌شوی».

این رسالت و مسئولیت رهبران دین است که در قرآن مجید به آن تصریح شده است.

او غالباً این گفتار تاریخی علی (ع) را تکرار می‌نمود:

اِنَّ اللّٰهَ اَخَذَ عَلٰی الْعُلَمَاءِ الْاَيْمٰنَ رُوٰعِيًّا كَيْفَ لَا يَخْلُوْا بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَشْفَعِيْ لَهُمْ

یعنی خدای سبحان از علماء پیمان گرفته است که در برابر شکم بارگی ظالمان و گرسنگی

مظلومان سکوت نکنند.

بر اساس همین اندیشه‌های سیاسی بود که ایشان در غالب جنبشهای آزادیبخش و

ملّی و ضد استعماری بر علیه متجاوزین از جمله در جنگ جهانی اول و در نبرد مردم مسلمان

نجف بر ضد نیروهای انگلستان و استعمار «غازی» در سال (۱۳۳۴ ق) شرکت جست.

اتحاد و نیرومندی مسلمین از هدفهای مشخص او محسوب می‌شد که در همه جا به

تعقیب آن می‌پرداخت وی یکی از مراجعی بود که بعدها به جمعیت «دارالتقرب بین

المذاهب الاسلامیه» پیوست، و نیز می‌بینیم در ابتدای کتاب ارزشمند اصل الشیعة

.....



واصولها تحت عنوان: چگونه مسلمانان متحد می شوند؟ از اختلاف بیهوده مسلمانان پرده برداشته و این سخنان او در بین مسلمین شهرت فراوانی دارد که فرمود:

□ **بَيْنِي وَالْإِسْلَامُ عَلَى دِعَايَتَيْنِ: كَلِمَةُ التَّوْحِيدِ وَتَوْحِيدُ الْكَلِمَةِ**

اسلام بر دو پایه استوار و برپا شده: بر یگانه پرستی (لا اله الا الله) و اتحاد و یک پارچگی.
□ یکی از امور واجب و لازم، ایجاد یک هماهنگی و عقد یک پیمان واقعی بین دولتهای عربی و اسلامی است، مشروط بر اینکه دولت های استعماری در آن دخالت نداشته باشند...

□ آری اگر این ملل و ممالک چنین کنند، و چنین باشند، خداوند از آن ها نیروی عظیمی به وجود می آورد و تمام دولت های جهان را در برابر ایشان خاضع می کند، چنان که در قرون پیشتر در برابر اسلام همه را خاضع کرد...
□ اکنون پنجاه سال می گذرد که من بر سر برادران مسلمانم فریاد می کشم و ایشان را به همبستگی و یکپارچگی و یکدلی می خوانم.

تهمت

بسیاری از بزرگان ما توسط جمعی از عالمان مغرض، و نویسندگان جاهل، و ایادی خائن مورد اتهام واقع شده اند که در جزوه ای که در این زمینه، تحت عنوان «تهمت شایعترین بلای عصر ما» تنظیم کرده ایم به این مطلب اشارت رفته است. این شخصیت عالیقدر نیز از ناحیه نظام حاکم بر عراق متهم به دست نشاندگی از ناحیه دول بیگانه شد.^۱ افتراء دیگر متأسفانه از قلم یکی از افرادی که خود را از علاقمندان به معظم له قلمداد کرده، تراوش کرده است. وی ضمن ترجمه احوال او آورده است:

«وكان رأيه بالمعاد انه روحاني ولكنه لم يبيح به خوف الفتنة فان شبهة الاكل و المأكول كانت سداً امام المعاد الجسماني» برای پی بردن به بی پایکی این نسبت مراجعه به کتاب او «الفردوس الاعلی» کافی است و نیز ببینید مقدمه جنة المأوی ص ۶۶ را.

.....

۱ - المنطلق - العدد التاسع والعشرون - مقاله مهندس عبدالله نجف تحت عنوان «الصراع بين العلماء والاستعمار» / ۵۱.



نمونه اشعار

از معظم له اشعار نغزی برجای مانده است^۱ که چند بیت از آن که در سبب عقب ماندگی اسلام و عرب سروده نقل می‌شود:

کم نكبۃ تحطم الاسلام والعرب والانكلیز اصلها فتش تجدهم السبب
چه بسیار انحرافات که شرف و حیثیت اسلام و عرب را لگدمال کرده که دست جنایت کار انگلیس در بوجود آوردن آن در کار بوده است؛ اگر نیکو بنگری جز آنها سببی برای بدبختی های اسلام پیدا نمی‌کنی.

فكلّ مافی الارض من ویلات حرب و حرب هم اشعلوا نيرانها وصیروا الناس حطب
نه بلکه کلیه جنگها و مصائبی را که دامن گیر مردم روی زمین شده آنها آتشش را بر افروخته و مردم را طعمه آن ساخته اند.

واستخدموا ملوکنا لضربنا ولاعجب فملكهم بفرضهم كان والا لانقلب
جای شگفتی نیست که آنان، شاهان را برای کوبیدن ما در اختیار گرفته اند و با اراده و خواست آنها، اساس سلطنت شاهان استوار گردیده و گرنه بدون پشتیبانی آنان سرنوشتی جز سقوط و رسوائی نداشتند.

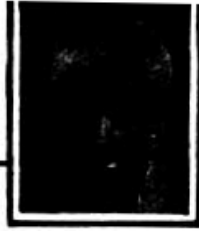
هم نصبوا عرشاً لهم فی کلّ شعب فانشعب واسواتنا ان حدث التاريخ عنهم وكتب
آنان بودند که در میان هر ملتی تخت شاهان را نصب کرده و آن را دچار تفرقه و از هم گسیختگی می‌کردند روزی که تاریخ در ارتباط با آنها مهر سکوت را بشکند و جنایات آنها را بنویسد، چه رسوائی‌ها و روسیاهی‌هایی که در سطح دنیا برای آنان به بار خواهد آمد... پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالیفات پیراج

کتب غنی و فاخری که از این دانشمند مطلع و متعهد برجای مانده، برخی به چاپ رسیده و برخی مخطوط است آنچه به چاپ رسیده عبارتند از:

۱- تحریرالمجلة در پنج جلد (چاپ نجف)

۱- بینید شعراء الفری ج ۸/۱۳۸ و ۱۸۳



کتاب المجله حاوی مباحث حقوقی براساس مذهب حنفی است که در بغداد تدریس می شده و معظم له آن را با حقوق شیعه تطبیق کرده است.

۲- وجیزة المسائل در فقه، فارسی و عربی این کتاب چهار بار در نجف اشرف به چاپ رسیده است.

۳- حواشی عین الحیاة در فقه طبع بمبئی.

۴- اصل الشیعة واصولها تاکنون بیش از بیست بار در ایران، نجف اشرف، قاهره بغداد، لبنان و... به طبع رسیده و به زبانهای مختلف مانند فارسی و انگلیسی و هندی ترجمه شده است و یکبار ترجمه و شرح فارسی آن تحت عنوان «این است آئین ما» توسط استاد ناصر مکارم شیرازی و یکبار هم توسط آقای علیرضا خسروانی تحت عنوان «ریشه شیعه و پایه های آن» به فارسی برگردانده شده است.^۱

۵- المراجعات الیهاتیة (۲ جلد) این کتاب متضمن مباحثی تاریخی و فلسفی می باشد که بین ایشان و فیلسوف لبنانی، امین ریحانی رد و بدل گردیده است، جلد اول این کتاب در بیروت و جلد دوم که نقدی است بر کتاب تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان در «صیدا» به طبع رسید و سپس در «آرژانتین» تجدید طبع گردید.

۶- الارض والتربة الحسینیة این کتاب به درخواست مؤسسه دائرة المعارف بریتانیا تألیف و به انگلیسی ترجمه و ضمن همان کتاب به چاپ رسیده است، و جداگانه هم بارها در نجف اشرف به چاپ رسیده و توسط محقق گران قدر حجة الاسلام جناب آقای عزیزالله عطاردی به نام «زمین و تربت مقدس حسین بن علی (ع)» و بار دیگر به وسیله آقای خسروانی به فارسی ترجمه و چاپ شده است. این تألیف پر ارزش به زبان هندی هم ترجمه شده است.

۷- الدین والاسلام ۲ جلد آن چاپ شده و جلد سوم و چهارم آن به طبع نرسیده است.

۸- نقدی بر کتاب «ملوک العرب» تألیف امین ریحانی این نوشته در مجله «النجف» انتشار یافت.

۹- حواشی بر سفینة النجاة تألیف برادرش (علامه شیخ احمد کاشف

.....

۱- الذریعة ج ۱۱/۳۴۳



- الغطاء) در چهار جلد که شامل کلیه ابواب فقه است.
- ۱۰ - السؤال والجواب در فقه این کتاب سه بار در نجف اشرف چاپ شده است.^۱
- ۱۱ - زاد المقلدین فقه فارسی، گراراً در نجف و خراسان به چاپ رسیده است.^۲
- ۱۲ - حاشیه بر تبصرة علامه
- ۱۳ - حاشیه بر عروة الوثقی این حاشیه را در زمان حیات استاد خود (صاحب عروة) نوشته و برای شاگردان خود تدریس می‌کرده است.
- ۱۴ - الفردوس الاعلی فلسفه قسمتی از احکام اسلام و تطبیق آن بر علوم و اکتشافات روز، بارها در نجف اشرف و ایران به چاپ رسیده و شهید سید محمدعلی قاضی طباطبائی بر آن تعلیقاتی دارد. (نوشته‌اند که مؤلف در وصایای خود از شهید قاضی طباطبائی خواهش کرده بودند که این کتاب و کتاب جنة المأوی اورا تصحیح کرده و بر آنها تعلیقه و مقدمه بنویسند).
- ۱۵ - الآيات الیّنات پنج رساله است در رد بر «أمویها»، «بهائیهها»، «وهابیهها» و «مادیها»
- ۱۶ - نبذة من السیاسة الحسینیة این کتاب توسط آقای علی اکبر صبا بنام سیاست حسینی به فارسی ترجمه و در تبریز چاپ شده است.
- ۱۷ - مختصر الاغانی چاپ بغداد ۱۰۰۰ صفحه.
- ۱۸ - الميثاق العربی الوطنی - چاپ نجف.
- ۱۹ - گفتگوی اوبا سفیر انگلستان و آمریکا این کتاب به نام «المحاوره مع السفیرین» سه بار در نجف اشرف و یک بار هم در آرژانتین به طبع رسیده است.
- ۲۰ - التوضیح فی بیان ماهو الانجیل ومن هوالمسیح ۲ جلد، جلد اول آن در قاهره و جلد دوم در بغداد به چاپ رسیده است و تحت عنوان «توضیح در باره انجیل و مسیح» توسط آقای سید هادی خسرو شاهی به فارسی ترجمه و در قم چاپ شده است.
- ۲۱ - المثل العلیا فی الاسلام لا فی یخمدون

.....

۱ - الذریعة ج ۱۲ / ۲۴۵ ۲ - انیس الموحدین - مقدمه، چاپ انتشارات الزهراء -



ایادی استعمار آمریکا از ایشان برای شرکت در کنگرهٔ یحمدون (یکی از شهرهای بیلاقی لبنان) دعوت کردند معظم له این دعوت را صریحاً رد کرد و به همین هم اکتفاء نکرد و کتاب فوق را در پاسخ آنان و اینکه کنفرانس مزبور توطئه‌ای علیه اسلام و به کار گرفتن مذهب علیه مذهب است، منتشر ساخت که تاکنون بیش از ۳۰ بار چاپ و انعکاس عجیبی در جهان داشت و نیز چند بار به فارسی ترجمه شده است و تحت عنوان «نامه‌ای از امام کاشف العطاء» به طبع رسیده است.

۲۲ - جنة المأوی با تعلیقات شهید سید محمدعلی قاضی طباطبائی در تبریز به چاپ رسیده است.

مؤلفات غیر مطبوع

- ۲۳ - شرح عروة الوثقی ۵ جلد - این کتاب از نخستین تألیفات فقهی او است.
- ۲۴ - تنقیح الکفایة در اصول.
- ۲۵ - دیوان شعر بیش از ۸ هزار بیت شعر را در بر دارد.
- ۲۶ - نزهة السمر ونهضة السفر - خاطرات سفر سوریه و مصر.
- ۲۷ - الجزء الثالث والرابع من الدین والاسلام.
- ۲۸ - حاشیة علی کتاب الاسفار تألیف صدر المتألهین
- ۲۹ - حاشیة علی رسالة العرشية تألیف صدر المتألهین.
- ۳۰ - حاشیة علی رسالة الوجود تألیف صدر المتألهین
- ۳۱ - دائرة المعارف العلیاء حاوی سؤال وجوابهایی است در زمینه‌های مختلف فقه و حکمت و تفسیر و... ۳ جلد.
- ۳۲ - حاشیة علی رسائل الشیخ الاعظم الانصاری
- ۳۳ - حاشیة علی مکاسب الشیخ الاعظم الانصاری
- ۳۴ - رسالة فی الجمع بین الاحکام الظاهرية والواقعية
- ۳۵ - حاشیة علی القوانین
- ۳۶ - تعالیق علی امالی السید المرتضی.
- ۳۷ - تعلیقه بر ادب الکاتب ابن قتیبه
- ۳۸ - تعلیقه بر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز



۳۹ - تعلیقه بر نهج البلاغه و نقد بر شرح شیخ محمد عبده

۴۰ - تعلیقه بر کتاب فتنة الكبرى از طه حسین

۴۱ - العباة العنبرية فی طبقات الجعفرية ترجمه خانواده اش می باشد^۱.

امید است به همت والای محققان، آثار علمی غیر مطبوع آن جناب نیز به چاپ برسد و در معرض استفاده اهل علم قرار گیرد و مرحوم علامه منتبج شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید: من از ایام جوانی با مرحوم آیت الله کاشف الغطاء دوست بودم و تا پایان زندگی وی این دوستی و صمیمیت ادامه داشت، بسیار علاقه دارم کتابهای آن مرحوم در دسترس همگان قرار گیرد^۲.

ترجمه های ایشان

۱ - هیئت فارسی ۲ - حجة السعادة ۳ - سفرنامه ناصر خسرو و بعضی از قطعات

معروف ادبی

کتابی که زیر نظر ایشان به چاپ رسیده

هنگامی که در لبنان بودند بر طبع کتب ممتاز و مفید ادبی زیر نظارت کرده و بر آنها تعلیقاتی هم نگاشت.

دیوان علامه سید محمد سعید حبیبی

معالم الاصابة فی الکاتب والکتابة

الوساطة بین المتنبي و خصومه تألیف قاضی جرجانی

دیون سحر بابل و سجع البلابل تألیف سید جعفر حلی

کار دیگری که ایشان انجام داد اقدام شایسته ای بود که به دنبال گفتار غرض آلود جرجی زیدان (م ۱۹۱۴) مورخ معروف که در «تاریخ آداب اللغة العربیة» گفته بود: «شیعه طائفه ای بود کوچک و آثار قابل اعتنائی نداشت و اکنون شیعه ای در دنیا وجود ندارد» انجام داد، بدین قرار که سه عالم بزرگ شیعه هم پیمان شدند هر یک در باب معرفی شیعه اقدامی بکنند لذا علامه منتبج مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۲۳۵ ق)، الذریعة الی تصانیف

.....

۱ - الذریعة ج ۱۵/۲۱۵.

۲ - زمین و تربت مقدس حسین بن علی علیه السلام، مقدمه مترجم.



الشیعة را نگاشت و مرحوم علامه سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ هـ) تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام را تألیف کرد و مرحوم کاشف الغطاء کتاب تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان را نقد کرد و اشتباهات وی را بررسی نمود و حاصل کارش نقدی جامع و علمی بر هر چهار جلد کتاب مزبور گردید، این نقد عمیق و مفید برای بار دوم در بونئوس آیرس به چاپ رسید و در محافل علمی آن روز اثر شگفت آوری داشت.^۱

ملکات روحی معظم له

آیت الله کاشف الغطاء، پیرو واقعی و رهرو حقیقی ائمه معصومین علیهم السلام بود و با کف نفس، در تزکیه نفس و خودسازی به مقام بالائی رسیده و لذا نمونه و تجسم اخلاق محمدی بود که در اینجا به برخی از خلقییات بلند و ملکات فرشته ای او اشاره می‌کنیم:

او در شجاعت کم نظیر بود و با جسارت تمام عقائد خود را ابراز می‌کرد و از قدرتهای استعماری هیچ هراسی نداشت در نامه ای ضمن اشاره به نقشه های استعمار آمریکا می‌گوید:

... آمریکا برای ما فقر، جهل و عقب افتادگی در ترقی و آبادی، زراعت و صنعت را می‌خواهد تا در برابرشان ذلیل و خاضع باشیم و به غارت منابع ثروتمان بوسیله آنها راضی شویم او کسانی را که به وی آزار می‌رسانند عفو می‌کرد و در مقابل جهال و خطاکاران از خود بردباری نشان می‌داد.

وی استبداد به رأی نداشت و اگر حقیقت را از ناقدان و مخالفان می‌شنید، تصدیق می‌کرد و از نظر قبلی خود که ناصواب بود به راحتی دست می‌کشید، وی اعتماد به نفس عجیبی داشت با این همه از عجب و غرور به دور بود، روح صاف و مصفايش به او اجازه نمی‌داد که کینه کسی را به دل بگیرد و نسبت به همگنان حسد بورزد.

وی به راستی نمونه بارزی از تواضع و فروتنی بود و با اینکه از خاندانی اصیل

۱ - توضیح بیشتر در «شیخ الباقین، آغا بزرگ الطهرانی» تألیف عبدالرحیم محمدعلی ص ۲۹ -

۳۰، شیخ آقا بزرگ تهرانی از ص ۲۲ تا ۲۴ از آقای محمدرضا حکیمی



وعلمی برخاسته بود و خودداری موقعیت ممتاز علمی و چهره شناخته شده جهانی بود، با این همه در برابر کلیه افراد از صغیر و کبیر، غریب و قریب، عالی و دانی و چه آنانکه از اقصی نقاط جهان و کشورهای اسلامی به دیدارش می‌شتافتند و چه آنان که همه روزه دیدارایشان را معتنم می‌شمرند فروتنی از خود نشان می‌داد.

او مخالف هوای نفسش بود و دین را برای خود نمی‌خواست، بلکه خود را برای دین می‌خواست و غیرت دینی و حمیت اسلامی داشت و لذا هنگامی که مغرض یا قلم بدست کم اطلاعی، سخن نادرستی از اسلام و مذهب می‌گفت، معظم له قلم توانای خویش را به دست می‌گرفت و در پاسخ به آنان آثار ارزشمندی همچون «اصل الشیعة و اصولها» انتقاد بر کتاب «ملوک العرب» و... را خلق می‌کرد.

این گونه بودند عالمان دین ما و آنهایی که رهرو راه آنانند و در طریقی که آنان قدم نهادند گام می‌زنند، و ما نیز باید این گونه باشیم.

ستایش دانشمندان از معظم له

از باب نمونه نظر چند نفر از بزرگان را می‌آوریم:

صاحب معارف الرجال او را چنین ستوده است:

ایشان در فقه و اصول، دانشمندی عالی مقدار و نویسنده توانائی بودند که در عصر ما از نظر قلم و خطابه و حل مشکلات علمی کسی نمی‌توانست با او برابری کند، نویسندگان در برابر قلمش سر تعظیم فرود می‌آوردند، قدرت منطقی او متکلمین را به عجز و ناتوانی وا داشته بود و رجال سیاست و نمایندگان دولتها را با سخن و شخصیت خود تکان می‌داد افزون بر این که او محققى جستجوگر و مورخ و ادیب و شاعر بود، رهبری دینی بلامنازع عراق را به دست آورد و در دوران زعامت خود طرز رفتار و برخوردی غیر از رفتار معمول مراجع تقلید برای خود انتخاب نمود و در اواخر عمرش بر اریکه ریاست مذهبی کلیه کشورهای اسلامی اعم از عرب و عجم تکیه زد.

و مرحوم علامه محقق شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد:

هو من كبار رجال الاسلام المعاصرين و من اشهر مشاهير علماء الشيعة... والحقیقة
انه من مجتهدى الشيعة الذين غاصوا بحار علوم اهل البيت (ع) فاستخرجوا من تلك المكامن



والمعادن، جواهر المعانی و دراری الکلم فنشروها بین الجمهور^۱

صاحب احسن الودیعة می نویسد:

علامه کبیر و مصلح شهیر، و دانشمند توانا دارای بیانی شیوا و نگارشی زیبا و دارای قلمی به سبک جدید و تألیفات او با ذوق حاضر بسیار سازگار است...

مرحوم علامه میرزا محمد علی مدرس گوید:

از فحول متبحرین علمای امامیه و از عدول ثقات فقهای اثنی عشریه و در کثرت تتبعات متنوعه و حید عصر و فرید دهر بود و تبجر او در فقه و اصول و کلام و حدیث و رجال و درایه و تفسیر و دیگر علوم دینیه مسلم یگانه و بیگانه و از اکابر حماة دین مبین و مدافعین شرع سید المرسلین (ص) و یگانه مبارز هجوم معاندین....

وفات و مدفن

سرانجام او با عمری پر برکت چونان عمر مردان نامی تاریخ، پس از سالها خدمت و تلاش در جهت نشر اسلام، در روز دوشنبه ۱۸ ذی القعدة ۱۳۷۳ به دنبال بیماری، نخست در بیمارستان «کرخ» بستری گردید ولی بهبود نیافت و آنگاه برای تغییر آب و هوا به «کیرند» از توابع باختران (در ایران) آمد و سه روز بیشتر از توقف او در آنجا نگذشته بود که پیک اجل ناگهانی به سراغش آمد و ندای حق را لبیک گفت و به خطاب: **يا ايُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** ارجمی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی مخاطب شد. پیکر پاک او را از آنجا با اعزاز و اکرام تمام با شرکت دهها هزار نفر از مسلمانان به بغداد حمل کردند و به نجف منتقل کرده و در آرامگاهی که دو سال پیش در آخر «وادی السلام» برای خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد و در عراق و ایران مجالس فاتحه و یادبود برایش برگزار گردید و صدها مقاله و قصیده در مورد شخصیت او نوشته شد که برخی از آنها در آن مجالس خوانده شد.

تاریخ وفات او را شیخ محمد خلیلی در اشعار خود این گونه نقل کرده است.

.....

۲- ریحانة الادب ج ۳/ ۳۴۳

۱- نعباء البشر ص ۶۱۲ و ۶۱۷



ما بين مهطول و مسفوح
من ذائب حزناً و مقروح
قد فقدوا خير أب روحى

مالى ارى الاعين تجرى دماً
وهذه الاكبد تغلى شجى
اهد ركن الشرع ارختم

مدارك مقاله

- ۱- معارف الرجال ج ۲/۲۷۲
- ۲- احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعة ج ۲/۳۶۰
- ۳- مصفی المقال / ۱۵۷
- ۴- طبقات اعلام الشیعة (نقباء البشر) قسم ثانى از جزء ۱ ص ۶۱۲ - ۶۱۹
- ۵- الذریعة ج ۲/۱۶۹ و ۱۵
- ۶- مجلة العرفان سال ۳۶/۹۵۸
- ۷- مصادر الدراسة / ۴
- ۸- معجم رجال الفكر والادب فی النجف / ۳۶۵
- ۹- ماضى النجف وحاضرها ج ۳/۱۸۲
- ۱۰- مقدمه كتاب جنة المأوى از شهید سید محمدعلی قاضی طباطبائی
- ۱۱- مقدمه نامه ای از امام کاشف الغطاء
- ۱۲- شعراء الغری ج ۲ و ج ۸
- ۱۳- معجم المؤلفین ج ۹/۲۵۰
- ۱۴- الدعوة الاسلامیة ج ۱/۲۱۷ تا ۲۲۳ بغداد سنه ۱۳۲۸ هـ
- ۱۵- شیخ آقا بزرگ تهرانی / ۱۵۷
- ۱۶- دایرة المعارف تشیع ج ۱/۲۰۷.
- ۱۷- ریحانة الادب ج ۵/۲۷
- ۱۸- گنجینه دانشمندان ج ۷/۲۶۹
- ۱۹- مقدمه كتاب «این است آئین ما و اصل الشیعة و اصولها»
- ۲۰- انیس الموحدين باتصحیح و باورقی شهید قاضی طباطبائی - چاپ انتشارات الزهراء
- ۲۱- مقدمه كتاب «راه اسلام - بلای استعمار»
- ۲۲- فقهای نامدار شیعه از ص ۲۹۹ تا ۳۰۷ - شرح حال شیخ جمفر کاشف الغطاء.
- ۲۳- مشاهیر و بزرگان شرق و غرب جهان از دکتر مریم میر هادی / ۲۵۹.
- ۲۴- همبستگی مذاهب اسلامی

